

تحلیل بینامتنی معماری: نقد اسطوره‌شناختی ساختمان مرکزی CCTV و میدان یادبود World Trade Center بر اساس نظریه دیوید بیدنی

نگار نوری (دانشجوی کارشناسی ارشد معماری؛ دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات؛ تهران؛ ایران)

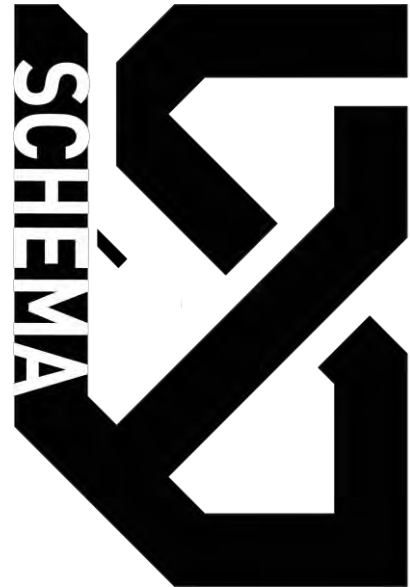
مهسا اردستانیان جوادی (دانشجوی کارشناسی ارشد معماری؛ دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات؛ تهران؛ ایران)

سارا دشت‌گرد* (استادیار گروه معماری؛ دانشگاه آزاد اسلامی واحد هشتگرد؛ هشتگرد؛ ایران)

دریافت ۱۴۰۳/۱۰/۲۴

پذیرش ۱۴۰۳/۱۲/۱۱

شهرسازی و معماری ایران، (۱۴۰۳) ۱ (۲)، ۴۵-۵۹



چکیده

Abstract

In recent decades, contemporary architecture has seen developments that move beyond traditional design and respond to cultural and social concepts. Two prominent examples of these developments are the CCTV building in Beijing and the World Trade Center Memorial Square in New York. With its disruptive design and complex geometry, the CCTV Building is a symbol of China's futuristic architecture, reflecting the country's media influences and technological advances. The World Trade Center Memorial Square also uses empty space to represent the loss and emotional impact of the September 11 attacks. By analyzing these two projects from the perspective of David Bidney's theory, this research examines myths and cultural symbols in contemporary architecture. The research method is qualitative, using descriptive and comparative analysis, and its purpose is to understand the relationship between architecture, culture and history. The results show that these two works, using symbolism and mythology, are able to recreate cultural and social concepts in the heart of modern architecture and act as emerging myths in their societies.

در دهه‌های اخیر، معماری معاصر شاهد تحولاتی بوده که فراتر از طراحی سنتی حرکت کرده و به مفاهیم فرهنگی و اجتماعی پاسخ می‌دهد. دو نمونه برجسته این تحولات، ساختمان CCTV در پکن و میدان یادبود World Trade Center در نیویورک هستند. ساختمان CCTV با طراحی ساختارشکن و هندسه پیچیده خود نمادی از معماری آینده‌نگر چین است و تأثیرات رسانه‌ای و پیشرفت‌های تکنولوژیک این کشور را بازتاب می‌دهد. میدان یادبود World Trade Center نیز با استفاده از فضای خالی، به بازنمایی فقدان و تأثیرات عاطفی حملات ۱۱ سپتامبر پرداخته است. این پژوهش با تحلیل این دو پروژه از منظر نظریه دیوید بیدنی، به بررسی اسطوره‌ها و نمادهای فرهنگی در معماری معاصر می‌پردازد. روش تحقیق به صورت کیفی و با استفاده از تحلیل توصیفی و تطبیقی است و هدف آن درک ارتباط میان معماری، فرهنگ و تاریخ است. نتایج نشان می‌دهند که این دو اثر، با استفاده از نمادگرایی و اسطوره‌پردازی، قادرند مفاهیم فرهنگی و اجتماعی را در بطن معماری مدرن بازآفرینی کنند و به‌عنوان اسطوره‌های نوظهور در جوامع خود عمل کنند.

Key Words: Mythological criticism, semiotics, CCTV, Rem Koolhaas, Peter Eisenman

واژگان کلیدی: نقد اسطوره‌ای، نشانه‌شناختی، CCTV، رم کولهااس، پیتر آیزنمن

بازتابی از ارزش‌ها و تحولات فرهنگی و اجتماعی نقش‌آفرینی کند. حال با توجه به مباحث مطروحه پرسش اصلی پژوهش بدین شکل بیان می‌شود؛ چگونه این پروژه‌ها می‌توانند به عنوان یک اسطوره و سپس یک نماد درک و تفسیر شوند و همچنین چگونه می‌توان از نظریه دیوید بیدنی در کتاب نقد ادبی نو برای تحلیل و فهم معنای این اثر استفاده کرد؟ همچنین از اهداف اصلی این پژوهش؛ بازخوانی این آثار با استفاده از نظریه دیوید بیدنی است. ضرورت و اهمیت این پژوهش در آن است که با تحلیل دو اثر شاخص معماری معاصر، یعنی CCTV Headquarters و Memorial Square World Trade Center، به درک عمیق‌تری از ارتباط میان معماری، فرهنگ و تاریخ دست یابیم و نشان دهیم که چگونه معماری می‌تواند به عنوان ابزاری برای بیان مفاهیم اجتماعی و تاریخی عمل کند. استفاده از نظریه دیوید بیدنی نیز امکان ارائه رویکردی نوین در نقد و تفسیر این آثار را فراهم می‌آورد.

روش پژوهش

نبود خوانشی منسجم و ساختار یافته در ارزیابی و تحلیل آثار معماری موجب شده است تا نقدهای موثری که بتوانند به بهبود کیفیت طراحی منجر شوند، شکل نگیرند. نقد معماری در کشور ما به صورت سیستماتیک کمتر مورد توجه قرار گرفته و پژوهش‌های موجود در این حوزه نیز از ضعف در مبانی و چارچوب نظری رنج می‌برند. با این حال، جدول شماره ۱، خلاصه‌ای از پژوهش‌های انجام شده در این زمینه و همچنین مباحث مورد بحث قرار گرفته در این پژوهش یعنی نشانه‌شناسی، ساختمان CCTV و ساختمان Memorial Square World Trade Center را نشان می‌دهد.

جدول ۱: پیشینه پژوهش (منبع: نگارندگان)

ردیف	نویسندگان	سال انتشار	عنوان پژوهش	نتایج حاصل شده
۱	مازیار قاسمی‌نیا، حسین سلطان‌زاده و ایمان رئیسی	۱۴۰۱	«بینامعماری»؛ تبیین روابط میان یک اثر معماری با آثار دیگر بر پایه رویکرد «بینامتنیت»	- آثار معماری همواره در ارتباطی پویا با آثار پیشین و معاصر خود قرار دارند و از این تعامل مفهومی و فرمی الهام می‌گیرند. - هر اثر معماری بازتابی از گذشته و پلی به آینده.
۲	ستاره یمینی، پریسا علی‌محمدی و کاوه بنرافکن	۱۳۹۹	تحلیل آثار معماری معاصر با رویکرد نقد اسطوره‌ای انطباق طرح معماری پایانه بندری «بوکوهاما» با کهن الگوی باغ ایرانی	- الهام از کهن‌الگوی باغ ایرانی در طراحی پایانه بندری بوکوهاما و ایجاد پیوندی میان معماری معاصر و میراث فرهنگی. - استفاده از مفاهیم اسطوره‌ای و الگوهای سنتی در طراحی معاصر می‌تواند هویت فرهنگی و عمق مفهومی را در آثار معماری تقویت کند.
۳	مرجان صابونچی، حسین ذبیحی و حمید ماجدی	۱۳۹۹	رویکرد نشانه‌شناختی به تحلیل فرم در معماری معاصر	- فرم در معماری معاصر را می‌توان به عنوان نظامی از نشانه‌ها دانست که معانی فرهنگی، اجتماعی و زیبایی‌شناختی را منتقل می‌کنند. - تحلیل فرم بر پایه نشانه‌شناسی، ابزار مؤثری برای درک عمیق‌تر از مفاهیم و پیام‌های نهفته در معماری معاصر است.
۴	احد نژادابراهیمی، مینو قره بکلو و سید مسعود وفاپی	۱۳۹۷	عوامل مؤثر بر ارتباط و نشانه شناسی در معماری (مطالعه موردی: مسجد کبود تبریز)	- شناخت نشانه‌ها و مفاهیم معماری می‌تواند به درک بهتر پیوندهای میان فرم، معنا و هویت در بناهای تاریخی کمک کند.

۵	الیه رحمانی، ایرج اعتصام و مصطفی مختاباد امرئی	۱۳۹۶	تحلیلی بر چگونگی نقد و ارزیابی آثار معماری آوانگارد	- اهمیت توجه به خلاقیت، نوآوری و بستر فرهنگی-اجتماعی هر اثر - نقد آثار آوانگارد باید با رویکردی چندبعدی انجام شود تا پیچیدگی‌ها و تأثیرات آن‌ها به درستی تحلیل شود.
۶	محمدجواد مهدوی‌نژاد	۱۳۹۵	گفت‌وگو معماری سرآمد: الگویی برای نقد آثار معماری معاصر	- نقدی جامع است که بر پایه پنج مورد (۱) تعامل با زمینه (۲) تحلیل فرایند مبنا (۳) اقبال عمومی (۴) نقد نقد (۵) بازآفرینی گفت‌وگو، به بررسی اثر معماری می‌پردازد.
۷	Egerton University	۲۰۲۴	Critical Analysis of CCTV Headquarters in Beijing	- CCTV در پکن بهترین نمونه از معماری دیکانستراکتیویستی را نمایان می‌کند، با فرم خارجی رادیکال، استفاده نوآورانه از مواد و سازماندهی فضایی غیرخطی.
۸	Patrick Leslie West & Cher Coad	۲۰۲۰	The CCTV Headquarters—Horizontal Skyscraper or Vertical Courtyard? Anomalies of Beijing Architecture, Urbanism, and Globalisation	- طراحی ساختمان CCTV Headquarters در پکن به چالش کشیدن مرزهای معماری سنتی را از طریق تلفیق ویژگی‌های آسمان‌خراش افقی و عمودی نمایان می‌کند. - نمادی از تغییرات معماری معاصر در تعامل میان هویت محلی و فشارهای جهانی.
۹	Yingxin Ma	۲۰۰۸	Reading of Koolhaas' CCTV New Headquarters	- دیدگاه کولهااس در این پروژه بازتابی از رویکرد انتقادی او به معماری معاصر و چالش با فرم‌های سنتی آسمان‌خراش است. - به‌جای تأکید بر ارتفاع، تمرکز بر پویایی و ارتباط فضایی.
۱۰	Chris Carroll, Craig Gibbons, Goman Ho, Michael Kwok, Richard Lawson, Alexis Lee, Ronald Li, Andrew Luong, Rory McGowan, Chas Pope	۲۰۰۸	CCTV Headquarters, Beijing, China: Building the structure	- استفاده از نوآوری‌های ساختاری و مهندسی در این پروژه، چالشی جدید برای معماری آسمان‌خراش‌ها و ساختارهای پیچیده ارائه می‌دهد.
۱۱	Antony Wood & Philip Oldfield	۲۰۰۷	Bridging the Gap: An Analysis of Proposed Evacuation Links at Height in the World Trade Center Design Competition Entries	- پل‌های هوایی در برج‌های مرکز تجارت جهانی، فراتر از نقش صرفاً ارتباطی، به‌عنوان عناصر کلیدی در تجربه کاربری و زبان معماری عمل می‌کنند. - ساختار نوآورانه و توجه به تعامل اجتماعی در این طرح، آن را به نمونه‌ای برجسته از ترکیب معماری متابولیستی و رویکردهای مدرن تبدیل کرده است، که نه تنها کارایی تخلیه اضطراری و گردش را بهبود می‌بخشد، بلکه ارتباط موثرتری با محیط شهری ایجاد می‌کند.
۱۲	Chris Carroll, Xiaonian Duan, Craig Gibbons*, Richard Lawson, Alexis Lee, Andrew Luong, Rory McGowan and Chas Pope	۲۰۰۶	China Central Television Headquarters - Structural Design	- سازه دیاگراید خارجی به‌طور برجسته در نمای ساختمان به نمایش درآمده و شفافیت میان سازه و معماری را تقویت می‌کند، که فلسفه اصلی در طراحی این ساختمان است.

این مقاله امکان می‌دهد تا تأثیرات فرهنگی و فلسفی بر طراحی‌های معماری را از منظر نوینی بررسی کند و ارتباط این آثار را با اسطوره‌ها و نمادهای فرهنگی به تصویر کشد.

۳. مبانی نظری

این مقاله با مقایسه بینامتنی این دو اثر، علاوه بر تحلیل ارتباطات معنایی و نشانه‌شناسی، به بررسی تطابق مفاهیم اسطوره‌ای و نمادگرایی در طراحی‌های معاصر می‌پردازد. بر خلاف مقالات پیشین که بیشتر بر جنبه‌های فرم و ساختار این پروژه‌ها تمرکز دارند، این مقاله به‌طور خاص در جستجوی ارتباطات عمیق‌تر و معنایی بین آثار معماری و مفاهیم فرهنگی، اجتماعی و تاریخی است. به‌ویژه، بهره‌گیری از نظریه «اسطوره، نمادگرایی و حقیقت» دیوید بیدنی، به

۱-۳. دیدگاه‌ها و اختلاف نظرها

جدول ۲: دیدگاه‌ها و اختلاف نظرها (ماخذ: نگارندگان)

زیبایی شناسی	
رم کوله‌هاوس	حامیان از طراحی نوآورانه و آینده نگر قدرانی می کنند، زیرا آن را انحراف تازه ای از استانداردهای معماری سنتی می دانند.
وانگ شو (نویسنده چینی)	مخالفتان استدلال می کنند که ساختار نامتعارف آشفته به نظر می رسد و با محیط اطراف خود هماهنگی ندارد.
عملکرد	
چن شیائونگ (معاون رئیس جمهور)	طرفداران بر پتانسیل طراحی ساختمان برای ترویج راه های جدید تعامل و تعامل با فضاهای شهری تاکید دارند.
Liu Xiaochun (کارشناس برنامه ریزی شهری)	منتقدان نگرانی هایی را در مورد کاربردی بودن و قابل استفاده بودن چیدمان نامنظم و فضاهای غیر متعارف در داخل ساختمان مطرح می کنند.
تأثیرات اجتماعی	
فیلیپ جودیدیو (منتقد معماری)	طرفداران پیشنهاد می کنند که این ساختمان جرقه گفتگو و نوآوری در گفتمان معماری می دهد و هنجارهای اجتماعی را به چالش می کشد.
وو مینگ (مورخ معماری)	مخالفتان ادعا می کنند که ماهیت جسورانه این طرح ممکن است به مقاومت و بحث عمومی منجر شود و مانع ادغام طولانی مدت آن در بافت شهری شود.
هزینه و منابع	
توماس جی کامپانلا (شهرسازی)	موافقان استدلال می کنند که سرمایه گذاری مالی در این پروژه به دلیل وضعیت نمادین ساختمان و پتانسیل برای جذب گردشگری و فرصت های اقتصادی موجه است.
Qian Lijun (کارشناس ساخت و ساز)	کسانی که مخالف هستند نسبت به هزینه های بالای ساخت و ساز و نگهداری ابراز نگرانی می کنند و استفاده کارآمد از منابع را زیر سوال می برند.

۳-۲. تاریخچه

۳-۲-۱. ساختمان CCTV Headquarters: تلویزیون

مرکزی چین «CCTV»، به عنوان شرکت دولتی پخش کننده برنامه های رادیو و تلویزیون در این کشور، برنامه داشت تا تعداد کانال های خود را از 18 به 200 افزایش دهد و در سال های آینده در سطح جهانی رقابت کند. برای تأمین نیازهای این توسعه، در اوایل سال 2002 یک مسابقه بین المللی طراحی برای ساختمان جدید دفتر مرکزی برگزار شد (Carroll et al., ۲۰۰۸). بسیاری از شرکت های معماری برای کسب جایزه طراحی CCTV به رقابت پرداختند. طراحی غیرمعمول و بحث برانگیز برج های مایل، که توسط دفتر معماری OMA «متروپولیتن» و Arup و به سرپرستی رم کولهاس طراحی شده بود، هیجان زیادی ایجاد کرد و این شرکت موفق به کسب مقام اول شد (Yingxin., ۲۰۰۸). از این طراحی از سوی برخی به عنوان یک پیروزی بزرگ معماری، تحسین و از سوی دیگران به عنوان لکه ای شرم آور بر چشم انداز

شهری، انتقاد شد. بسیاری نیز از هزینه گزاف پروژه و تأثیر منفی آن بر ترافیک سنگین موجود در منطقه شکایت کردند (۲۰۰۸ Carroll et el.,).

۳-۲-۲. ساختمان Memorial Square World Trade Center

حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ که منجر به فروپاشی برج های مرکز تجارت جهانی شد، احتمالاً بزرگ ترین تحلیل بازنگرانه درباره طراحی ساختمان های بلندمرتبه در ۴۰ سال گذشته را ایجاد کرده است. تمام جنبه های طراحی ساختمان های بلند - از جمله سیستم های ایمنی، سازه ای، مصالح نمای خارجی، مکان یابی و چیدمان - زیر سؤال رفته و تحقیقات گسترده ای برای ارزیابی و بهبود کارایی این ساختمان ها انجام شده و همچنان ادامه دارد (Wood & Oldfield., ۲۰۰۷). در تاریخ ۵ مارس ۲۰۰۲، فرماندار جورج پاتاکی، شهردار مایکل بلومبرگ و شرکت توسعه منهن جنوبی «LMDC»، مسابقه ای با هدف

بازطراحی مرکز تجارت جهانی و همچنین یادبودی برای قربانیان حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و ۲۶ فوریه ۱۹۹۳، برگزار کردند. در این مسابقه، 13683 شرکت‌کننده از 94 کشور و تمام ۵۰ ایالت آمریکا برای رقابت ثبت‌نام کردند. هزینه مدیریت این مسابقه توسط LMDC تأمین شد و شرکت‌کنندگان موظف بودند مبلغ 25 دلار به‌عنوان هزینه ثبت‌نام پرداخت کنند که این مبلغ برای ایجاد یادبود استفاده می‌شد (Wikipedia., ۲۰۲۴). گروهی از معماران برجسته شامل ریچارد مایر، پیتز آیزنمن، گواسمی سیگل و استیون هال برای ارائه یک طرح جسورانه برای سایت Ground Zero نیویورک، در این مسابقه شرکت کردند. طرح ارائه شده توسط این گروه که در نهایت به طرح جامع دانیل لیبسکیند باخت، شامل ساختاری مشبک از برج‌هایی بود که با اسکای‌بریج‌های بلند و "انگشتان" طره‌ای که به شبکه شهری گسترش می‌یافتند، به هم متصل می‌شدند (Architizer., ۲۰۱۷).

۳-۳. رویکرد نشانه‌شناختی و متن معماری: نشانه‌شناسی معادل Semiotics یا Semiology به کار می‌رود. این واژه دانشی است که به درک و تحلیل علائم و نمادها در همه فرم‌ها و جنبه‌ها می‌پردازد. این جنبه‌ها شامل زبان گفتاری یا نوشتاری یا فرم‌های غیرزبانی مانند: علائم فیزیولوژیکی و بیولوژیکی، علائم معنایی، سیستم‌های ارزشی و کلیه فرم‌های حرکات، خلقیات، آگاهی یا عدم آگاهی می‌شود (ذبیحی و همکاران، ۱۳۹۹). یکی از عام‌ترین تعریف‌ها از امبرتو اکو است (Eco., ۱۹۷۹)، که معتقد است: نشانه‌شناسی با هر چیزی که بتواند یک نشانه قلمداد شود سروکار دارد. نشانه‌شناسی از طریق مطالعه و تئوریزه کردن نشانه‌ها و روند شکل‌گیری آن‌ها در پی مطالعه معنی است (نرسیسیانس، ۱۳۹۱). موریس نخستین نشانه‌شناسی است که آن را به سه بخش نحو‌شناسی، معناشناسی و کاربردشناسی تقسیم کرده است. این سه بخش، سه قلمرو متفاوت نشانه‌شناسی را نشان می‌دهد. نحو‌شناسی از روابط موجود میان نشانه‌ها و معناشناسی از رابطه نشانه‌ها با اشیاء و تعبیرهای متناظرشان بحث می‌کند (انصاری و همکاران، ۱۴۰۰).

برخورد نشانه‌ای با معماری، از آن تفکر نشأت می‌گیرد که به‌هرحال، هیچ چیز در دنیای انسانی نمی‌تواند صرفاً کارکردی باشد، بلکه حتی ساده‌ترین و عام‌ترین بناها، فضا را به گونه‌ای سامان می‌دهند که نشانه‌ای از اولویت‌های اجتماع، دیدگاه‌های آن نسبت به طبع انسانی، سیاست و اقتصاد است. به این ترتیب حتی در کاربردی‌ترین مصنوعات بشر به‌طور عام نوعی انتخاب شکلی در تنظیم عملکردها صورت می‌گیرد که حکایت از بینش خاصی داشته و ارجاع به امری واری عملکرد صرف می‌کند (Ettehad., ۲۰۱۴). از طرف دیگر، از آنجایی که معماری زبانی بین خالق طرح و مخاطبان آن است، از طریق

بازنمایی کالبد، پیامی مبتنی بر مفاهیم و ایده‌های طراح را منتقل ساخته و این گونه به بیان ایده‌های خالق خود می‌پردازد. نظام آن که روند شکل‌گیری اجزای آن است، مانند ترکیب بندی شکل، سطح، فرم و پلان را میتوان مشابه با نظام زبان دانست. اگر دستور زبان را لانگ و استفاده از آن را پارول بدانیم، هر بنا یک پارول یا گفتمان جدید در نظام معماری می‌باشد. نشانه‌شناسی نه فقط با ارتباطات (نیت‌مند)، بلکه با انتصاب معنا به هرچیزی در جهان سروکار دارد (چندلر، ۱۳۹۴).

۴-۳. اسطوره از دیدگاه دیوید بیدنی: از دیدگاه دیوید بیدنی، اسطوره‌ها نه تنها روایت‌هایی فرهنگی هستند که ارزش‌ها و باورهای یک جامعه را منعکس می‌کنند، بلکه به‌عنوان سازوکاری عمل می‌کنند که جامعه از طریق آن می‌تواند به بررسی و بازتعریف خود بپردازد. اسطوره‌ها در عین حال که از سنت‌ها و ارزش‌های گذشته نشأت می‌گیرند، بستری برای رهایی از باورهای سنتی فراهم می‌کنند. بیدنی معتقد است که اسطوره‌ها با استفاده از نمادها و استعاره‌ها، امکان نقد و بازاندیشی را در جامعه ایجاد می‌کنند. آن‌ها زمینه‌ای برای بازخوانی مفاهیم عمیق انسانی، مانند خیر و شر، معنا و بی‌معنایی یا محدودیت و آزادی فراهم می‌سازند. اسطوره‌ها با ساده‌سازی مفاهیم پیچیده، به جامعه کمک می‌کنند تا از باورهای قدیمی که ممکن است محدودکننده باشند، فاصله بگیرد و ارزش‌های جدیدی را که با شرایط معاصر همخوانی دارند، جایگزین کند. در این رویکرد، اسطوره نه تنها ابزاری برای حفظ هویت جمعی است، بلکه وسیله‌ای برای بازسازی هویت و رهایی از چارچوب‌های فکری محدودکننده‌ای است که ممکن است در طول زمان به‌عنوان سنت پذیرفته شده باشند. این امکان رهایی از باورهای سنتی، اسطوره را به یک ابزار پویا و خلاقانه در فرایند تحولات فرهنگی و اجتماعی تبدیل می‌کند (بیدنی، ۱۳۸۳).

۵-۳. نوار موبیوس: نوار موبیوس، از شگفتی‌های جهان ریاضیات است که با طبیعت ملموس همخوانی دارد؛ یک نوار بلند و مستطیل شکل است که از پیچیده شدن و اتصال دو سر آن به دست می‌آید. در صورت اقدام به چپ‌چرخش، آغاز و انجام نوار یکی خواهد شد، لذا حرکت روی آن تا بی‌نهایت بار تکرار و تسلسل می‌یابد (پناهی، ۱۳۹۷). بنابراین نوار موبیوس فقط یک سطح و فقط یک مرز (لبه) دارد. این نوار مستقلاً و به‌طور جداگانه توسط دو ریاضیدان آلمانی به نام‌های آگوست فردیناند موبیوس و جان بندیکت در سال ۱۸۵۸ کشف و به ثبت رسید. در تعبیر فلسفی داریوش شایگان، خاصیت موبیوس با ماهیت وجودی جهان و قرارگیری در دو مسیر موازی شبیه‌سازی شده است. این خاصیت در دو جهان مجازی و عالم مثال تمام و کمال عمل می‌کند؛ زیرا هر دو جهان، شیوه تبدیل یک حالت

این انتخاب براساس اهمیت فرهنگی و تأثیر آن بر جامعه انجام گرفته است. داده‌ها از طریق مطالعه متون مرتبط، مقالات علمی و منابع معتبر گردآوری می‌شوند. داده‌های گردآوری شده مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند. این تحلیل شامل بررسی معانی عمیق‌تر و نشانه‌های موجود در اسطوره‌ها، نمادگرایی و حقیقت دیوید بیدنی انجام شده و در نهایت، ما به نقد و ارزیابی اسطوره‌ها و تأثیرات آنها بر جامعه و فرهنگ می‌پردازیم، بررسی چگونگی بازنمایی قدرت، جنسیت و هویت در نمونه موردی است و به ما کمک می‌کند تا به درک بهتری از تأثیرات فرهنگی و اجتماعی این اسطوره‌ها برسیم.

۵. شناخت بنا

۵-۱. ساختمان CCTV Headquarters China – (Beijing)

در اوایل سال ۲۰۰۲، مرکز تلویزیون مرکزی چین CCTV در پکن، مسابقه‌ای بین‌المللی برای طراحی ساختمان جدید خود ترتیب داد که تیم OMA و Arup به سرپرستی رم کولهاس معمار هلندی برنده آن شدند. این ساختمان یکی از اولین پروژه‌هایی بود که OMA در خارج از آمریکا انجام داده است و ساخت آن در ۱ ژوئن ۲۰۰۴ آغاز شد و نمای آن در ژانویه ۲۰۰۸ تکمیل گردید. این سازه توسط برخی منتقدان معماری به عنوان «بزرگ‌ترین اثر معماری ساخته شده در این قرن» ستایش شد و در سال ۲۰۱۳ توسط شورای ساختمان‌های بلند و زیستگاه شهری CTBUH به عنوان بهترین ساختمان بلند جهان انتخاب شد (ویکیپدیا، ۲۰۲۴). طرح برنده، به عنوان بازتعریفی از آسمان‌خراش‌ها، ساختمان ۵۱ طبقه با مساحت ۴۷۳,۰۰۰ متر مربعی است که، عملکردهای اداری، دفاتر، تولید و پخش خبر، تولید برنامه‌ها و خدمات را در قالب یک حلقه پیوسته از فعالیت‌های مرتبط با یکدیگر ادغام می‌کند. این طراحی حول چهار بخش اصلی ساختمان متمرکز شده است: پایه‌ی ۹ طبقه‌ای، دو برج کج که با زاویه ۶ درجه در دو جهت متمایل هستند، و بخش معلق به نام Overhang که بین طبقات ۹ تا ۱۳ قرار گرفته و در ارتفاع ۳۶ طبقه‌ای از سطح زمین معلق است (Carroll et al., ۲۰۰۸).

به حالت دیگرند. یکی علیرغم آنکه زمان و مکان را در زمان واقعی در هم می‌فشد؛ در سطح افقی یعنی محسوسات باقی می‌ماند؛ درحالی‌که دیگری حلقه‌ی انتقالی است برای دستیابی به سطوح عالی‌تر مشاهده و بصیرت. خاصیت موبیوس، درواقع معرف یک نقطه تبدیل و چرخش است؛ که کمابیش توانسته است بر فراز شکاف حاصل از «ثنویت دکارتی» پلی بزند. اکنون چرخش از درون به بیرون، از اینجا به آنجا، از ذهنی به عینی تا حدی متقابل و دوسویه شده است. این چرخش‌ها در زمان و مکان نیز متجلی می‌شوند و با فعال کردن همهی حواس و ترکیب آنها، فرد را در میان موجی از اطلاعات همزمان قرار می‌دهد (شایگان، ۱۳۷۲).

۴. روش تحقیق

روش تحقیق در این مطالعه، به‌طور عمده از نوع پژوهش‌های کیفی است که در مرحله جمع‌آوری داده‌ها از روش توصیفی و تحلیلی است و مطالعات انجام گرفته کتابخانه‌ای است. در رویکرد توصیفی، هدف ما جمع‌آوری و ارائه اطلاعات مرتبط با اسطوره‌ها و نشانه‌های فرهنگی است. نقد اسطوره‌ای به‌عنوان یک روش تحقیق توصیفی و تحلیلی، با استفاده از تجزیه و تحلیل نمونه موردی، به ما امکان می‌دهد تا به درک عمیق‌تری از نشانه‌ها و نمادهای فرهنگی برسیم و تأثیرات آنها بر فرهنگ و جامعه را تحلیل کنیم. این روش تحقیق نه تنها به غنای بحث‌های علمی کمک می‌کند، بلکه به ما امکان می‌دهد تا با دیدگاه‌های مختلف به تحلیل و تفسیر نشانه‌ها بپردازیم. از طریق این رویکرد، می‌توانیم به چالش‌های موجود در تفسیر و تحلیل اسطوره‌ها توجه کنیم و به بازنگری در تصورات سنتی درباره فرهنگ و هویت بپردازیم.

روش گردآوری اطلاعات به شکل اسنادی و میدانی است. به سبب کیفی بودن ماهیت تحقیق، ابزارها شامل واژه‌ها، عبارات و همچنین پدیده‌های بصری مانند مقاطع و تصاویر هستند که در بررسی‌های توصیفی و تطبیقی مورد استفاده قرار گرفته‌اند. در انتخاب نمونه موردی یک یا چند اسطوره به‌عنوان نمونه موردی انتخاب شده است،



شکل ۱: تصویر هوایی از ساختمان CCTV Headquarters (ماخذ: Archdaily)

یک هتل، مرکز بازدیدکنندگان، یک سالن تئاتر عمومی بزرگ و فضاهای نمایشگاهی است. این ساختمان به عنوان یک بنای برجسته طراحی شده که از تقاطع اصلی منطقه تجاری مرکزی قابل مشاهده است. ساختمان TVCC نیز به گونه‌ای طراحی شده که ساختمان اصلی را در مرکز «پنجره» خود قاب می‌کند (Yingxin., ۲۰۰۸).

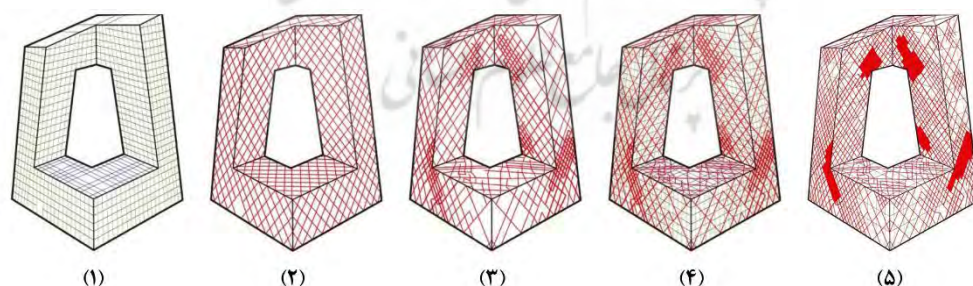
ساختمان جدید CCTV با مساحتی حدود ۴۷۳،۰۰۰ مترمربع شامل ساختمان اصلی، مرکز فرهنگی تلویزیون «TVCC» و مرکز خدمات انرژی است و بزرگ‌ترین پروژه‌ای است که تاکنون توسط OMA طراحی شده و اولین ساختمان بزرگ آن‌ها در چین محسوب می‌شود. ساختمان اصلی مساحتی معادل ۱۱۵،۰۰۰ مترمربع دارد و شامل



شکل ۲: عملکردها و طرح‌بندی داخلی ساختمان CCTV Headquarters

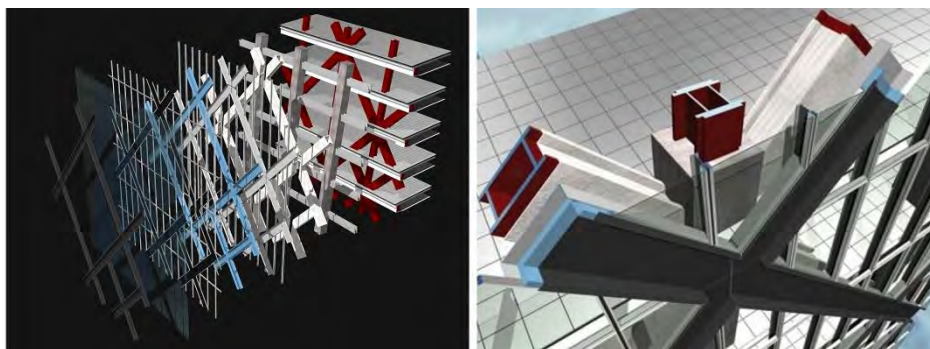
این سازه چندمنظوره و کارآمد قادر است نیروهای خمشی و پیچشی را بین بخش‌های پایین‌تر پل بزند، مقاومت و سختی کافی را برای انتقال بارها به زمین در برج‌ها فراهم کند و پایه‌ها را تقویت کند تا سطوح پایین‌تر را پایدارتر سازد و با توجه به هندسه سازه، بارها را به شکلی مطلوب‌تر به فونداسیون منتقل کند (Carroll et al., ۲۰۰۸). بنابراین، تمامی عناصر پشتیبانی سازه‌ای در این ساختمان از فولاد سازه‌ای ساخته شده‌اند، به‌جز برخی ستون‌های خارجی که به دلیل بارهای سنگینی که باید تحمل کنند، از جنس بتن مسلح به فولاد هستند. کف‌ها نیز به‌صورت دال‌های کامپوزیتی روی تیرهای فولادی طراحی شده‌اند (Carroll et al., ۲۰۰۶).

شکل نوآورانه و نمادین ساختمان به‌عنوان عنصر اصلی برای تأمین پشتیبانی سازه‌ای و سیستم پایداری آن استفاده شده است. این فرم نیازمند استفاده از یک سازه فولادی اصلی است که به‌عنوان راه‌حلی "سبک‌وزن" طراحی شده و با استفاده از کل ساختار نمای ساختمان و ایجاد یک سیستم لوله‌ای پیوسته خارجی، عملکرد لرزه‌ای بهتری ارائه می‌دهد (Carroll et al., ۲۰۰۶). این لوله‌ها با استفاده از مهاربندی کامل در تمامی سطوح نمای ساختمان شکل گرفته‌اند. صفحات مهاربندی به‌طور پیوسته از حجم ساختمان عبور می‌کنند تا گوشه‌ها تقویت و سخت شوند. این سیستم به‌خوبی برای مدیریت نوع و شدت بارهای دائمی و موقت ساختمان مناسب است. همچنین،



شکل ۳: ساختار لوله‌ای بسته، (۲) ساختار دیاگراید در شبکه مورب ۱۲m × ۳m توزیع تنش در سازه، (۴) ساختار ترکیبی و (۵) ساختار نهایی سازه (منبع:

نگارندگان)



شکل ۴: المان‌های به کار رفته در نمای ساختمان CCTV Headquarters (ماخذ: Archdaily)

آیزنمن در طراحی آسمان‌خراش خود به شکل حلقه، با لحنی انتقادی بیان کرد که تمامی آسمان‌خراش‌هایی که به صورت عمودی ساخته می‌شوند، قدرت فالوس را به نمایش می‌گذارند. او با این ایده مخالف بود و معتقد بود آسمان‌خراش او باید خنثی باشد؛ به طوری که در بالای خود خم شود و دوباره به بدنه ساختمان بازگردد تا رشد و تولدی بی‌پایان را بدون نقطه پایان نشان دهد. کولهاس نیز طراحی برج CCTV را بر اساس ایده مشابهی انجام داد و توضیح داد که تمامی بخش‌ها و واحدهای تولید تلویزیون را در یک حلقه پیوسته مانند نوار موبیوس قرار داده‌اند تا به طور مداوم در خود عمل کنند.

۲-۵. میدان یادبود World Trade Center - United States (New York)

پروژه Memorial Square World Trade Center در سال ۲۰۰۲ توسط پیتز آیزنمن و گروهی از معماران برجسته شامل استیون هال، ریچارد مایر و چارلز گواسمی برای شهر نیویورک در محل مرکز تجارت جهانی پیشنهاد داده شد. هدف این طراحی ایجاد فضایی عمومی برای یادبود حوادث ۱۱ سپتامبر در منطقه Ground Zero نیویورک بود. این فضا که «میدان یادبود» نامیده شد با الهام از فضاهای عمومی مشهور مانند Union Square و Rockefeller Center، به گونه‌ای طراحی شده است که هم ارتباطات شهری را تقویت کند و هم به عنوان یادبودی برای این حادثه عمل کند.

این ساختمان نمونه‌ای برجسته از معماری پست‌مدرن با رویکردی ساختارشکنانه است به طوری که هم بازتابی از گذشته فرهنگی چین و هم بیانی درباره آینده است. هنگامی که حال پست‌مدرن در بستر گذشته فرهنگی پکن قرار می‌گیرد، تحت تأثیر نیروهای اجتماعی و فرهنگی آن زمان قرار می‌گیرد. به همین دلیل، پیچیدگی در چیدمان فضایی ساختمان جدید، با ساختار شهر ممنوعه رقابت می‌کند. همچنین، از بین بردن مرز میان داخل و خارج، یادآور مقبره‌های سلسله مینگ است. در واقع، سازه‌های معماری معاصر در بستر فضاهای فرهنگی گذشته جای گرفته‌اند و ارتباط میان گذشته و حال را به نمایش می‌گذارند (Yingxin., ۲۰۰۸).

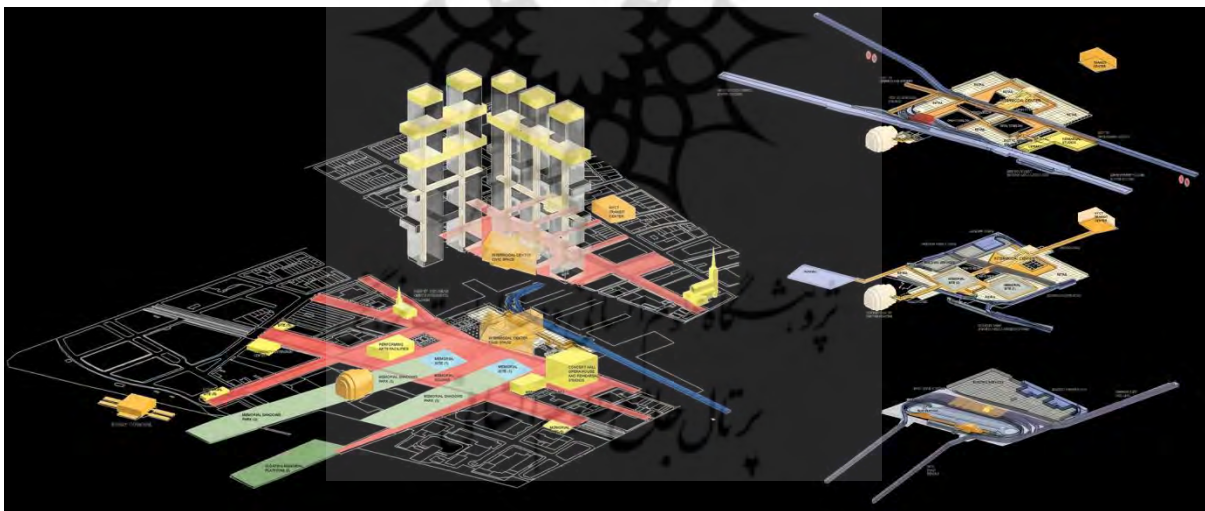
فرم منحصر به فرد آن شامل یک حلقه پیوسته متشکل از شش بخش افقی و عمودی است که به جای تمرکز بر ارتفاع صرف، بر پویایی سه بعدی و عملکردهای متنوع تأکید دارد. این حلقه، علاوه بر ایجاد انسجام ساختاری، بازتابی از سیستماتیک بودن، پیچیدگی معماری و عظمت کاخ امپراتوری چین است که نمادی از فرهنگ و هویت تاریخی کشور محسوب می‌شود. هدف اصلی این طراحی، فراتر رفتن از جداسازی فضاها در برج‌های سنتی و تقویت حس اجتماع در میان کاربران ساختمان بود. ایده طراحی ساختمان به شکل حلقه کاملاً جدید نیست. اگرچه هرگز اجرا نشده، اما معماران آیزنمن در اوایل دهه ۱۹۹۰ طرحی مشابه برای ساختمانی در سایت Max Reinhardt Haus در برلین ارائه دادند که شکلی شبیه اما پیچیده‌تر داشت.



شکل ۵: نمایی از میدان یادبود WTC در نیویورک (ماخذ: Eisenmanarchitects)

می‌کنند. این انگشت‌ها که با گرانیب پوشیده شده‌اند، مسیر عبور عابران را مشخص کرده و امکان دسترسی به سایت را از بالا و پایین فراهم می‌کنند. عابران از سمت شمال از یک دروازه تشریفاتی وارد میدان یادبود می‌شوند و می‌توانند به مرکز حمل و نقل وارد شوند یا از طریق یک راه‌پله به طبقه زیر میدان، که شامل یک مرکز خرید است و به قطارهای حومه و مترو متصل می‌شود، دسترسی پیدا کنند (Eisenmanarchitects).

ایده‌های حضور و غیاب، محصور بودن و گسترش یافتن در تمام عناصر این طرح منعکس شده‌اند. سایت از طریق برنامه‌ای که شامل مجموعه‌ای از "انگشت‌ها" است، به خیابان‌های اطراف گسترش یافته است. این انگشت‌ها یادآور آن هستند که بزرگی اتفاقاتی که در این مکان رخ داد، فراتر از محدوده آن احساس شده است. در عین حال، این انگشت‌ها ارتباطات پیاده میان میدان یادبود، رودخانه هادسون، مرکز حمل و نقل پیشنهادی و منهتن پایین را تسهیل



شکل ۶: دیاگرام‌هایی از دسترسی‌ها و کاربری‌های طراحی شده در اطراف پروژه (ماخذ: Eisenmanarchitects)

گسترش می‌یابد، همانند انگشتان طرح زمین به نظر می‌رسد که به سمت شهر و یکدیگر دست دراز کرده‌اند. در گوشه شمال شرقی سایت، این ساختمان‌ها به طرز نمادینی مانند انگشتان درهم‌تنیده یک دست محافظ به هم نزدیک می‌شوند (Eisenmanarchitects).

مشهودترین علامت از بازسازی این سایت، ساختمان‌های ترکیبی پیشنهادی است که با ارتفاع 1,111 فوت به منظور بازسازی افق نیویورک طراحی شده‌اند و وضوح هندسی را با تصویری از وقار و آرامش ترکیب می‌کنند. این دو ساختمان چندمنظوره که شامل پنج بخش عمودی و میله‌های افقی متصل‌کننده هستند، در طبقات هم‌سطح زمین به دروازه‌های تشریفاتی تبدیل می‌شوند. در عین حال، فرم انتزاعی آن‌ها که بین حجم‌ها و فضاهای خالی تعادل برقرار می‌کند، حس حضور و غیاب را القا کرده و الهام‌بخش تأمل و خلاقیت است. انتهای کنسولی این ساختمان‌ها که به سمت شهر و یکدیگر

۱-۶. تحلیل بینامتنی برج CCTV Headquarters و

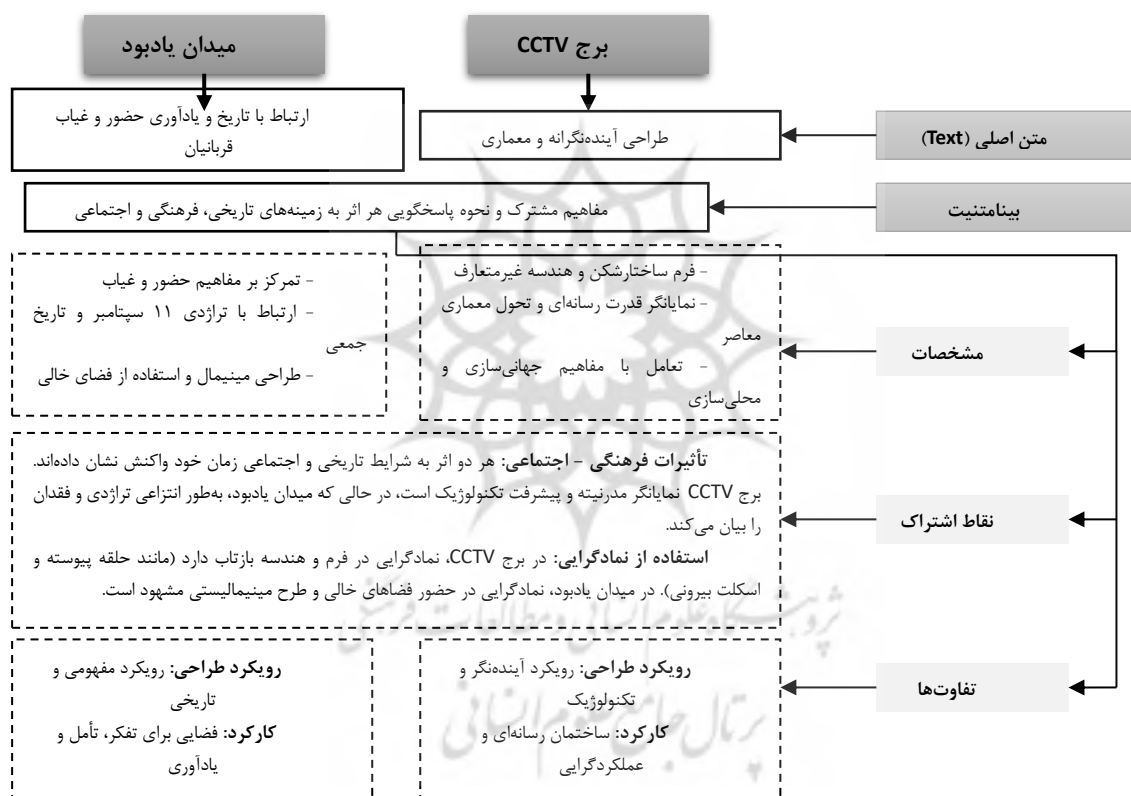
میدان یادبود World Trade Center

بینامتنیت به عنوان یک مفهوم کلیدی در نقد ادبی و نظریه فرهنگی، به بررسی روابط و تعاملات میان متون مختلف و زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی آن‌ها می‌پردازد. این مفهوم به ما این امکان را می‌دهد که متون را نه به عنوان واحدهای مستقل، بلکه به عنوان اجزای مرتبط در یک شبکه وسیع‌تر از معانی و نشانه‌ها درک کنیم. در واقع، هر متن در ارتباط با متون دیگر و در بستر تاریخی و فرهنگی خود معنا پیدا می‌کند. در زمینه معماری، خوانش ارتباط‌های بینامتنی اثر، نشان می‌دهد که این ارتباط‌ها به لحاظ مفاهیم و به صورت ضمنی در چند سطح صورت می‌گیرد و ارتباط میان اجزاء درونی اثر با شبکه‌ای از آثار دیگر، آن را به متنی با دلالت‌های چندگانه تبدیل می‌کند و به این ترتیب اثر به یک بافت معماری نزدیک می‌شود.



شکل ۷: ماکتی از میدان یادبود WTC در نیویورک (منبع: Eisenmanarchitects)

. بحث و یافته ها



شکل ۸: تحلیل بینامتنیت برج CCTV و میدان یادبود World Trade Center: از ساختارشکنی تا یادآوری تاریخی (ماخذ: نگارندگان)

علاقه‌مند است. برای درک بهتر تفاوت‌های این دو، باید به بررسی فلسفه‌های طراحی آن‌ها پرداخته و تاثیر آن‌ها را بر پروژه‌های شاخص‌شان مانند مرکز تلویزیون چین و میدان یادبود WTC تجزیه و تحلیل کنیم:

۱-۲-۶. پیتر آیزنمن در میدان یادبود World Trade

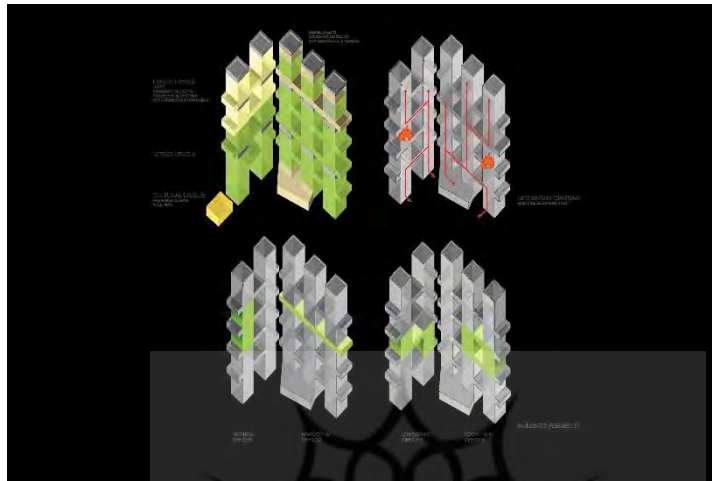
Center

- **حافظه و فقدان:** آیزنمن در طراحی این میدان یادبود، به مفهوم فقدان و جای خالی به عنوان

۲-۶. مقایسه فلسفه طراحی پیتر آیزنمن و رم کولهاس:

با بررسی پروژه‌ها و طرز فکر این دو معمار می‌توان گفت هر یک از این آن‌ها با استفاده از زبان معماری و فلسفه‌های خاص خود، به چالش کشیدن قواعد و اصول سنتی طراحی پرداخته‌اند، اما تفاوت‌های عمده‌ای در نگرش و تفکرشان نسبت به معماری وجود دارد. در حالی که آیزنمن بیشتر به سوی ساختارشکنی و برهم زدن اصول کلاسیک معماری می‌رود، کولهاس به استفاده از پیچیدگی‌های سیستمی و نوآوری در فرم‌های کاربردی در ساختارهای بزرگ

درباره تراژدی و تأثیرات آن وادارد. فضای میدان نشان‌دهنده جای خالی برج‌ها است و با نوعی توپوگرافی شکسته و نامرتب طراحی شده است که حس ناپایداری و عدم قطعیت را القا می‌کند «تأکید بر غیاب». این طراحی باعث می‌شود بازدیدکنندگان خود را در مواجهه با یک تجربه حسی و عاطفی عمیق بیابند.



شکل ۹: دیاگرام‌های حضور و غیاب (ماخذ: Eisenmanarchitects)

میدان از یک ساختار شبکه‌ای منظم «Grid» تشکیل شده که به صورت نامرتب تغییر یافته است. این شبکه نظم و بی‌نظمی را به نمایش می‌گذارد که نظم نماد روزمرگی پیش از حادثه و بی‌نظمی نماد شوک و پیامدهای آن است و به بازدیدکنندگان یادآوری می‌کند که زندگی روزمره چگونه می‌تواند در یک لحظه از هم بپاشد.



شکل ۱۰: دیاگرام‌های ساختار شبکه‌ای سایت پروژه (ماخذ: Eisenmanarchitects)

فرم‌های سنتی و متقارن، به شکست، تداخل، و چالش با مفاهیم معمول می‌پردازد. در این پروژه شکست در هندسه‌ها و توپوگرافی، نمادی از شوک و فروپاشی است و استفاده از

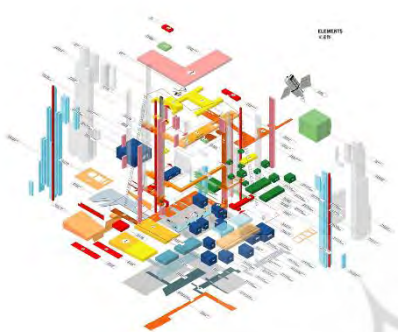
عناصر اصلی تأکید دارد. این ایده برگرفته از تفکر او درباره حافظه جمعی است؛ یعنی نشان دادن اثری از آنچه از دست رفته، بدون تلاش برای بازسازی یا جایگزینی آن. او از فضای منفی «Void» استفاده کرده تا غیاب برج‌های دوقلو را به نمایش بگذارد و بازدیدکنندگان را به تفکر

- **فضا به عنوان یک عنصر مفهومی:** آیزمن بر این باور است که معماری می‌تواند مفاهیمی را منتقل کند که فراتر از عملکرد یا زیبایی صرف باشد. در طراحی Memorial Square، فضا به معنای بیانگر تاریخ و عاطفه است. او تلاش کرده است فضایی خلق کند که مخاطب در آن نه فقط به گذشته فکر کند، بلکه به تأثیرات عمیق‌تر حادثه نیز بیندیشد.



- **پیوند با دیکانستراکتیویسم:** طراحی میدان یادبود نمونه‌ای از معماری دیکانستراکتیویست است، که پیتر آیزمن از پیشگامان آن محسوب می‌شود. این رویکرد به جای ارائه

- **نمایش عملکرد و پویایی:** یکی از مفاهیم کلیدی در فلسفه طراحی کولهاس، نمایش عملکرد فضاها از طریق فرم معماری است. ساختمان CCTV به گونه‌ای طراحی شده است که همه فضاهای کاری در چرخه‌ای متصل به هم قرار گرفته‌اند (این ویژگی، مفهوم همکاری و پویایی را بین بخش‌های مختلف ساختمان برجسته می‌کند). برخلاف برج‌های سنتی که بخش‌های مختلف (مانند دفاتر، استودیوها و فضاهای پشتیبانی) در طبقات مجزا قرار می‌گیرند، کولهاس ساختاری یکپارچه و متصل ایجاد کرده است.



شکل ۱۱: روابط بین فضاها (ماخذ: Archdaily)

بارهای غیرمتقارن طراحی شده است. این شبکه که در قسمت‌های مختلف ساختمان تغییر ضخامت می‌دهد، هم یک ویژگی زیبایی‌شناسانه و هم یک راه‌حل سازه‌ای است. این ساختار نمادی از پایداری و نوآوری در معماری معاصر است.



شکل ۱۲: روند ساخت ساختمان CCTV (ماخذ: Archdaily)

در عین حال، فرم بسته و متحد ساختمان، نمادی از اقتدار و کنترل رسانه‌ای است.

- **پاسخ به مکان و محیط:** این ساختمان در منطقه تجاری مرکزی پکن «CBD» واقع شده است و کولهاس تلاش کرده تا این ساختمان نه تنها با محیط اطراف، بلکه با ساختار شهری پکن هماهنگ باشد: طراحی حلقه‌ای به ساختمان اجازه می‌دهد تا به عنوان

فرم‌های انتزاعی به جای بازسازی مستقیم برج‌ها یا یادبودهای سنتی، نوعی تأکید بر تحلیل و بازاندیشی است.

۲-۲-۶. رم کولهاس در CCTV Headquarters

- **ساختار شکنی و بازتعریف برج‌های بلند مرتبه:** کولهاس با طراحی CCTV تلاش کرد تا مفهوم سنتی آسمان‌خراش‌ها را به چالش بکشد. برخلاف فرم‌های عمودی رایج در طراحی برج‌های بلند، این ساختمان به شکل یک حلقه سه‌بعدی طراحی شده که دو برج را با یک بخش افقی و یک زانو «Kink» به هم متصل می‌کند.

- **نوآوری در سازه و مهندسی:** فرم منحصر به فرد ساختمان CCTV با چالش‌های مهندسی پیچیده‌ای همراه بود، اما کولهاس با همکاری مهندسين، این چالش‌ها را به بخشی از هویت معماری تبدیل کرد: ساختار شبکه‌ای مورب در نمای ساختمان برای تحمل

- **مفهوم شفافیت و کنترل:** کولهاس در طراحی این ساختمان، مفهومی از شفافیت و در عین حال کنترل را به نمایش گذاشته است. این دو مفهوم، بازتاب‌دهنده عملکرد رسانه‌ای CCTV هستند: شبکه مورب در نما، نوعی شفافیت بصری ایجاد می‌کند که بازتاب‌دهنده ارتباطات باز و گسترده است.

نگار نوری، مهسا اردستانیان جوادی و سارا دشت‌گرد: فرایند طراحی معماری بر اساس تأثیرپذیری از نقاشی انتزاعی

یک عنصر پویای بصری در خط آسمان شهر دیده می‌کند تا از رویکردهای تکراری و بی‌هویت در شود. فرم خاص آن در عین نمادین بودن، تلاش طراحی برج‌های بلند اجتناب کند.

جدول ۳: مقایسه طراحی، فرم و عملکرد ساختمان‌های CCTV Headquarters و Memorial Square World Trade Center

ویژگی	CCTV Headquarters	Memorial Square World Trade Center
هدف طراحی	یک مرکز عملکردی برای رسانه‌ها و فناوری	فضایی یادبود برای گرامیداشت حادثه ۱۱ سپتامبر
فرم معماری	جسورانه، هندسه پیچیده و نوآورانه	هندسه مینیمال با تأکید بر توپوگرافی شکسته
تمرکز عملکردی	عملکردی و قابل استفاده برای دفاتر و استودیوها	بیشتر مفهومی و تأکید بر ایجاد تجربه حسی
تأثیر بر محیط شهری	برجسته و متمایز، اما با انتقاداتی درباره مقیاس	بخشی از یک مجموعه تاریخی با مقیاسی مناسب

(ماخذ: نگارندگان)

جدول ۴: مقایسه در زمینه مفهوم‌گرایی ساختمان‌های CCTV Headquarters و Memorial Square World Trade Center

ویژگی	CCTV Headquarters	Memorial Square World Trade Center
مفهوم اصلی	پویایی، تعامل، و قدرت	فقدان، حافظه و تاریخ
رویکرد انتقادی	جسورانه، هندسه پیچیده و نوآورانه	انتقاد به عدم پویایی اجتماعی فضا
نوآوری مفهومی	نمادین و مرتبط با رسانه	عمیق و مرتبط با تجربه حسی

(ماخذ: نگارندگان)

جدول ۵: نقاط قوت و منفی ساختمان‌های CCTV Headquarters و Memorial Square World Trade Center

نقاط قوت	نقد‌های منفی	پروژه
۱. نوآوری در فرم و ساختار: طراحی جسورانه و غیرمعمول ساختمان به شکل یک حلقه سه‌بعدی، نمادی از نوآوری و بازتعریف معماری بلندمرتبه است. فرم اتصال دو برج به وسیله بخش افقی، مفهوم جدیدی از برج‌ها را ارائه می‌دهد که از طرح‌های خطی سنتی فراتر می‌رود. ۲. یکپارچگی عملکردی: طراحی ساختمان به گونه‌ای است که تمام بخش‌های عملکردی (استودیوها، دفاتر اداری، و امکانات پشتیبانی) در چرخه‌ای متصل قرار گرفته‌اند. این انسجام باعث تسهیل ارتباطات داخلی و بهبود عملکرد سازمانی می‌شود. ۳. بیان معماری معاصر و نمادین: ساختمان CCTV نمادی از معماری مدرن چین است که جایگاه این کشور را به عنوان یک قدرت جهانی در عرصه طراحی و فناوری به نمایش می‌گذارد. فرم حلقه‌ای ساختمان، مفهوم پویایی، همکاری، و اتصال را در جامعه مدرن چین به تصویر می‌کشد. ۴. تأکید بر پایداری اجتماعی: فرم باز و دعوت‌کننده ساختمان باعث ایجاد تعامل بهتر با محیط شهری می‌شود و حس تعلق و ارتباط بین مردم و معماری را تقویت می‌کند. ۵. تعامل پویا با شهر: طراحی ساختمان با موقعیت استراتژیک در منطقه تجاری مرکزی (CBD) پکن هماهنگ است و به عنوان نقطه عطفی در توسعه شهری این منطقه عمل می‌کند. فرم ساختمان ارتباط بصری و مفهومی با شهر و محیط اطراف برقرار می‌کند. ۶. پاسخ به چالش‌های فرهنگی و جهانی: طراحی ساختمان ترکیبی از اصول معماری جهانی و نمادگرایی فرهنگی چین را به نمایش می‌گذارد. فرم خاص آن، بازتابی از تحول چین از یک کشور سنتی به یک جامعه مدرن و جهانی است.	۱. پیچیدگی بیش از حد در سازه: فرم غیرمعمول و پیچیده ساختمان، اجرای سازه‌ای را بسیار چالش‌برانگیز کرده است. استفاده از شبکه سازه‌ای مورب در نما (Exoskeleton) برای تحمل نیروها باعث افزایش هزینه‌های ساخت و مهندسی شده است. ۲. هزینه بالا: طراحی جسورانه و استفاده از فناوری‌های پیشرفته، هزینه ساخت و نگهداری ساختمان را به طور قابل توجهی افزایش داده است. برخی منتقدان معتقدند که این هزینه‌های بالا ممکن است با عملکرد اقتصادی ساختمان همخوانی نداشته باشد. ۳. عدم تطابق با محیط شهری: فرم منحصر به فرد ساختمان ممکن است با بافت سنتی و توسعه شهری پکن ناسازگار به نظر برسد. این برج به دلیل فرم برجسته و غیرمعمول خود، در تضاد با معماری سنتی چینی و حتی برخی ساختمان‌های مدرن منطقه تجاری مرکزی (CBD) پکن قرار دارد. ۴. محدودیت در نورگیری داخلی: طراحی حلقه‌ای و زاویه‌دار ساختمان، توزیع نور طبیعی در برخی فضاهای داخلی را دشوار کرده است. این مشکل می‌تواند به کاهش کیفیت فضاهای کاری منجر شود. ۵. احتمال عدم درک عمومی از طراحی: فرم جسورانه و انتزاعی ساختمان ممکن است برای عموم مردم نامفهوم یا غیرجذاب باشد. برخی منتقدان معتقدند که این طراحی بیش از حد "آوانگارد" بوده و نمی‌تواند به خوبی ارتباط فرهنگی یا عاطفی با کاربران برقرار کند. ۶. خطرات ناشی از طراحی نمادین: برج به دلیل طراحی غیرمعمول خود، به یک هدف نمادین تبدیل شده است که ممکن است در مواقع بحران یا تنش سیاسی، آسیب‌پذیرتر باشد.	CCTV Headquarters
۱. نمادپردازی قوی: تأکید بر مفاهیم حضور و غیاب با استفاده از فضای خالی، نمادی از فقدان و خاطره جمعی. ۲. ارتباط فضایی: طراحی شبکه‌ای برای اتصال میدان به محیط شهری و تقویت تعامل با خیابان‌های اطراف.	۱. ابهام در مفهوم و معنا: فرم‌های انتزاعی و مفهومی ممکن است برای همه بازدیدکنندگان قابل درک نباشد. این امر می‌تواند تأثیر عاطفی و پیامی که طراحی قصد دارد منتقل کند را کاهش دهد. ۲. عدم سازگاری کامل با بافت شهری: اگرچه طراحی تلاش می‌کند با خیابان‌ها و فضای شهری تعامل داشته باشد، اما برخی منتقدان	World Trade Center Memorial Square

۳. تعامل عاطفی: ایجاد فضایی که بازدیدکنندگان را به تفکر و تأمل در مورد حادثه و تأثیرات آن وادار می‌کند. ۴. پویایی طراحی: ترکیب نظم و بی‌نظمی برای بازتاب تأثیرات حادثه. ۵. معماری مفهومی: استفاده از فرم‌های انتزاعی و شکسته برای انتقال پیام‌های عمیق‌تر از یادبودهای سنتی. ۶. نوآوری ساختاری: طراحی مدرن و مینیمالیستی که مفاهیم معماری دیکانسترکتیویستی را به‌خوبی به تصویر می‌کشد.	معتقدند که طرح به دلیل فرم‌های شکسته و غیرمعمول، با سبک سنتی و تاریخی منتهن تطابق کامل ندارد. ۳. عملکردگرایی محدود: تمرکز بر نمادپردازی ممکن است استفاده‌های عملکردی فضا را محدود کند. بازدیدکنندگان ممکن است احساس کنند که فضا بیشتر نمادین است تا کاربردی. ۴. عدم تمرکز بر فضای سبز: طراحی میدان بر فضاهای سنگ‌فرش‌شده تأکید دارد و فضای سبز کمی در آن گنجانده شده است. این مسئله ممکن است احساس طراوت و آرامش را که معمولاً در یادبودها انتظار می‌رود، کاهش دهد. ۵. دور بودن از حس بومی و محلی: استفاده از مفاهیم معماری مدرن و جهانی ممکن است باعث شود که میدان نتواند به‌خوبی ارتباط فرهنگی یا تاریخ خاص نیویورک و حادثه ۱۱ سپتامبر برقرار کند. ۶. مقیاس بزرگ و احساس تهی بودن: مقیاس بزرگ و فضای خالی میدان ممکن است برای برخی افراد احساس سردی و تهی بودن ایجاد کند، به‌جای اینکه بازتابی از یادبود و احترام باشد.
--	--

(ماخذ: نگارندگان)

۷. نتیجه گیری

در نقد و تحلیل بینامتنیت ساختمان CCTV چین و میدان یادبود World Trade Center اثر ریچارد مایر بر اساس نظریه اسطوره، نمادگرایی و حقیقت دیوید بیدنی، مشخص شد که این دو اثر، هرچند در زمان و زمینه‌های فرهنگی متفاوتی طراحی شده‌اند، در انتقال مفاهیمی عمیق و چندلایه به واسطه استفاده از نمادگرایی و اسطوره‌پردازی، نقاط مشترک قابل توجهی دارند؛ ساختمان CCTV با فرم هندسی ساختارشکن و شبکه پیچیده سازه‌ای، نماد قدرت رسانه‌ای و تحول تکنولوژیک چین در عصر مدرن است. این ساختمان نه تنها نشان‌دهنده پیشرفت‌های فنی است، بلکه با بهره‌گیری از فرم‌های نمادین مانند حلقه پیوسته و ترکیب فضاهای افقی و عمودی، اسطوره مدرنیته و جهانی‌شدن را بازتاب می‌دهد. این اثر به نوعی نمایانگر تلفیق سنت و مدرنیته در بافت شهری پکن است و نشان می‌دهد که چگونه معماری می‌تواند نقش یک اسطوره نوظهور در جامعه مدرن را ایفا کند. در مقابل، میدان یادبود World Trade Center با تأکید بر حضور و غیاب و استفاده از فضاهای خالی، نمادی از فقدان و یادآوری تاریخی است. طراحی این میدان، که بازتابی از تراژدی ۱۱ سپتامبر و پیامدهای عاطفی و اجتماعی آن است، با بهره‌گیری از زبان مینیمالیستی و مفهومی، مخاطب را به تأمل و بازاندیشی درباره مفاهیم اساسی زندگی و مرگ دعوت می‌کند. این میدان به‌عنوان اسطوره‌ای مدرن، تاریخ جمعی و هویت ملی آمریکا را بازتعریف می‌کند.

تحلیل این دو اثر نشان می‌دهد که هر دو در عین تفاوت‌های عملکردی و مفهومی، از ظرفیت‌های بینامتنیت برای ایجاد ارتباطی مؤثر با مخاطبان خود بهره گرفته‌اند. در نظریه بیدنی، اسطوره‌ها و نمادها ابزارهایی برای بازنمایی و بازآفرینی ارزش‌های جمعی هستند. ساختمان CCTV و میدان یادبود، هر دو این ظرفیت را دارند که نه تنها روایتگر تاریخ و فرهنگ باشند، بلکه با عبور

از مرزهای سنتی معماری، به‌عنوان اسطوره‌هایی نوظهور در بافت شهری خود نقش‌آفرینی کنند. این مقایسه نشان می‌دهد که معماری می‌تواند فراتر از یک ابزار فیزیکی برای پاسخگویی به نیازهای عملکردی عمل کند و به یک واسطه مفهومی برای بیان ارزش‌ها و ایده‌های جمعی تبدیل شود. چنین رویکردی در طراحی معاصر، می‌تواند راهگشای تلفیق هنر، فرهنگ و تاریخ در راستای پاسخ به نیازهای جامعه مدرن باشد.

۸. منابع

۱. انصاری، مجتبی، ص برنجی، شینا، بمانیان، محمدرضا و حسنی، مسعود (۱۴۰۰). نشانه‌شناسی به عنوان چارچوبی برای خوانش و نگارش منظر. نشریه علمی باغ نظر، ۱۸ (۱۰۳)، ۷۴-۶۵.
۲. بیدنی، د. (۱۳۸۳). اسطوره، نمادگرایی و حقیقت. در *نقد ادبی نو (مجموعه مقالات)*، تهران: انتشارات سازمان چاپ و انتشارات: ۲۰-۴۵.
۳. پناهی، سیامک (۱۳۹۷). معماری و سینمای معناگرا: بازخوانی تأثیر فضاهای معماری در تجلی معنا در سینمای معناگرا. تهران: عصر کنکاش.
۴. چندلر، دانیل (۱۳۹۴). مبانی نشانه‌شناسی، ترجمه پارسا، مهدی. تهران: سوره مهر.
۵. ذبیحی، حسین، صابونچی، مرجان و ماجدی، حمید (۱۳۹۹). رویکرد نشانه‌شناختی به تحلیل فرم در معماری معاصر، نشریه معماری و شهرسازی آرمان‌شهر، ۳۰: ۱۳۹-۱۴۹.
۶. رحمانی، الهه، اعتصام، ایرج و مختاباد امرئی، مصطفی (۱۳۹۶). تحلیلی بر چگونگی نقد و ارزیابی آثار معماری آوانگارد، نشریه علمی باغ نظر، ۵۰: ۵-۲۰.
۷. شایگان، داریوش (۱۳۷۲). در جستجوی فضاهای گمشده، نشریه نامه فرهنگ (۱۳): ۱۴۱-۱۴۹.

20. Wood, A., & Oldfield, P. (2007). "Bridging the Gap: An Analysis of Proposed Evacuation Links at Height in the World Trade Center Design Competition Entries", *Architectural Science Review*, 50(2), pp. 173-180. <https://doi.org/10.3763/asre.2007.5023>
21. <https://www.archdaily.com/236175/cctv-headquarters-oma>
22. <https://eisenmanarchitects.com/Memorial-Square-World-Trade-Center-2002>
23. https://en.wikipedia.org/wiki/World_Trade_Center_Site_Memorial_Competition
24. https://en.wikipedia.org/wiki/CCTV_Headquarters
25. - <https://architizer.com/blog/inspiration/industry/head-in-the-clouds-unbuilt-skyscrapers/>
۸. قاسمی‌نیا، مازیار، سلطان‌زاده، حسین و رئیسی، ایمان (۱۴۰۱). «بینامعماری»: تبیین روابط میان یک اثر معماری با آثار دیگر بر پایه رویکرد «بینامتنیت»، نشریه نامه معماری و شهرسازی، ۳۴: ۲۵-۴۴.
۹. مهدوی‌نژاد، محمدجواد (۱۳۹۵). گفت‌وگو با معماران: سرآمد: الگویی برای نقد آثار معماری معاصر، نشریه هویت شهر، ۳۰: ۵۹-۶۸.
۱۰. نرسینیانس، امیلیا (۱۳۹۱). انسان، نشانه، فرهنگ، با ترجمه علیرضا حسن‌زاده، تهران، افکار.
۱۱. نژادابراهیمی، احد، قره‌بکلو، مینو و وفایی، سید مسعود (۱۳۹۷). عوامل مؤثر بر ارتباط و نشانه‌شناسی در معماری (مطالعه موردی: مسجد کبود تبریز)، نشریه جاویدان خرد، ۳۳: ۲۸۳-۳۰۶.
۱۲. یمینی، ستاره، علی‌محمدی، پریسا و بذرافکن، کاوه (۱۳۹۹). تحلیل آثار معماری معاصر با رویکرد نقد اسطوره‌ای انطباق طرح معماری پایانه بندری «یوکوهاما» با کهن‌الگوی باغ ایرانی، نشریه علمی باغ نظر، ۱۷(۸۶): ۱۷-۲۸.
13. Carroll, C., Duan, X., Gibbons, C., Lawson, R., Lee, A., Luong, A., McGowan, R., & Pope, C. (2006). "China Central Television Headquarters - Structural Design", *Steel Structures*, 6, pp. 387-391.
14. Carroll, C., Gibbons, C., Ho, G., Kwok, M., Lawson, R., Lee, A., Li, R., Luong, A., McGowan, R., & Pope, C. (2008). "CCTV Headquarters, Beijing, China: Building the structure", *The Arup Journal*, 2, pp. 40-51.
15. Eco, U. (1979). *A Theory of Semiotics*. Bloomington: India Press.
16. Egerton University. (2024). *Critical analysis of CCTV headquarters in Beijing*.
17. Ettehad, S., Azeri, A.R., & Kari, G. (2015). The Role of Culture in Promoting Architectural Identity. *European Online Journal of Natural and Social Sciences*, 3, pp. 410-418.
18. Ma, Y. (2008). "Reading of Koolhaas' CCTV New Headquarters".
19. West, P. L., & Coad, C. (2020). "The CCTV Headquarters—Horizontal Skyscraper or Vertical Courtyard? Anomalies of Beijing Architecture, Urbanism, and Globalisation", *M/C Journal*, 23(5). <https://doi.org/10.5204/mcj.1680>